

عنوان مقاله:

مطالعات فرهنگی مشترکات شاهنامه و جاده ابریشم در هویت سازی، ستیز با خودبرتر بینی و پذیرش تکثر فرهنگی (بارویکرد نشانه شناختی)

محل انتشار:

همایش بین المللی شاهنامه در گذرگاه جاده ابریشم (سال: 1398)

تعداد صفحات اصل مقاله: 5

نویسنده:

مهیار علوی مقدم - دانشیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه حکیم سبزواری

خلاصه مقاله:

مطالعات فرهنگی، رویکردی جدید در نظریه های انتقادی و حوزه گفتمان است که به فرایندهای فرهنگی و مقولہ فرهنگ به مثابه نوعی متن می نگرد و بارویکرد نشانه شناسی و نظام های نشانگانی در حوزه فرهنگ پیوند دارد. در اینگونه مطالعات، فیلم، عکس، مد، جامعه، تاریخ، زندگی و ادبیات، متن به شمار می روند که منتقد به خوانش آن می پردازد. بر این اساس، فارغ از متن ادبی بودن شاهنامه جاده ابریشم، به مثابه پدیده ای تاریخی و ابزاری ارتباطی در عرصه تجارت و مبادله کالا، متنی فرهنگی نیز به شمار می رود که در حوزه مطالعات بینا فرهنگی جای می گیرد. رابطه بین این گونه مطالعات و فرهنگ هویت ساز و فرایندهای فرهنگی ناشی از جاده ابریشم، رابطه ای دیالکتیک و دوسویه است. جاده ابریشم، در چارچوب گفتمان های فرهنگی و شناخت هویت فرهنگی قابل بررسی است و در صحنه روابط و تعاملات فرهنگی و تکامل فرهنگ انسانی، نمودهای بارزی دارد. این، بدان معناست که جاده ابریشم، صرفاً یک ابزار ارتباطی نبوده است بلکه در تقویت فرهنگ بومی و ملی سرزمین های حاشیه ای و گسترش فرهنگ تعامل و گفت و گو با دیگر فرهنگ های پیرامونی، نقش به سزایی داشته است. این جاده، در فرایند هویت زایی، موجب دوری گزیدن فرهنگ های دوره های گوناگون تاریخی می شود و ملت ها را از تعصب قومی و خودبرتر بینی فرهنگی به دور داشته و به سوی تفاهم و تعامل با دیگر فرهنگ ها و پذیرش تکثر و تعدد فرهنگی هدایت کرده است. این ها، وجوه مشترکی است که در شاهنامه به مثابه یک متن ادبی هویت ساز با نشانه شناسی زبانی و جاده ابریشم به مثابه یک متن تاریخی هویت ساز با نشانه شناسی ارتباطی و رمزگان خاص خود وجود دارد و هر دو دارای نظام نشانگایی مشترک و در عین حال متفاوت در عرصه مطالعات فرهنگی است.

کلمات کلیدی:

مطالعات فرهنگی، شاهنامه، جاده ابریشم، فرهنگ، نظام نشانگانی، رمزگان

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/924391>

